

لعنت خدا بر کسی
که به حسین اسلامی
رای دهد!



مجمع نمایندگان و
فرصت های پیش رو



تعصب حزبی و باندی
در انتخابات
جایگاهی ندارد

شماره بیست و ششم - چهارشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۲ - ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۵۲۴ تبری



مردم بر خلاف نماینده شان پایتخت را دوست دارند!

بدون شک همه مردم دنیا برای مهمان اهمیت می خاص قائلند و سعی می کنند با بهترین شکل ممکن از مهمانان شان پذیرائی و مخصوصا محل توقف مهمان را تمیز و پاکیزه کنند. این خصوصیات در ایرانیان بیشتر از سایر ملل مشهود است، به ویژه در ایام نوروز و فرارسیدن سال جدید؛ تاجائی که بعضی اشخاص سعی می کنند با تغییراتی در منازل شان توجه مهمانان را به خود جلب کنند.



این نظافت البته محدود به چاردیواری منازل نمی شود، بلکه مسئولان هر شهری همت می کنند تا با تمیز نگهداشتن شهرشان به خصوص اماکنی که مورد بازدید مسافران و تازه واردان قرار می گیرد جلوه ای خاص با چشم اندازی جذاب و زیبا به تصویر بکشاند. حدود دو-سه ماه مانده به پایان سال ۹۱ خیابان ضلع جنوبی پارک نوشیروانی بابل توسط یکی از ادارات شهرکنده کاری شد، تصور اولیه برای عابران و ساکنان اطراف پارک و همه آنانی که به انحای مختلف از پارک استفاده تفریحی و ورزشی و... می کنند، این بود که تا فرارسیدن نوروز قضیه تمام می شود و مکان آسفالت خواهد شد تا در ایام نوروز مسافرانی که برای گردش و تفریح و اتراف به پارک می آیند، از نظافت پارک لذت ببرند. بگذریم از اینکه ظاهرا کنده کاری های اخیر بدون مطالعات لازم و کارشناسی انجام گرفت و به لوله های گاز و... برخورد کرد!

به درازا کشیدن کنده کاری و تجاوز کردن از زمان احتمالی که برای پایان یافتن چنین کنده کاری هایی در نظر گرفته می شود، این تصور را برای برخی از جمله نگراننده به وجود آورد که امکان



گزارشی از میزگرد بررسی عملکرد دوره سوم شورای اسلامی شهر آمل انجمن آقایان فوق العاده!

پنج کارشناس ارشد آملی در میزگردی عملکرد شورای این شهر را مورد نقد و بررسی قرار دادند. اعضای شورای شهر آمل علی رغم دعوت کتبی حاضر به شرکت در این میزگرد نشدند. استاد لطف الله آجدانی منتقد برجسته تاریخ مشروطه، مریم پروین عضو سابق شورای شهر و مدرس دانشگاه، مهندس اسدالله تورنگ عضو سابق شورای شهر، مهندس رمضان زاده شهردار سابق آمل و بهزاد جوادیان جانشین رئیس دانشکده های پرستاری و پیراپزشکی آمل، کارشناسان حاضر در این میزگرد بودند.

بابل، شهر بی دفاع!

دکتر سیف الرضا سهایی

دارد به خاطر احساس مسئولیت شدیدی که متولیان نظافت و پاکیزگی شهر بابل دارند (!)، کنده کاری و ترمیم آن تا پایان سال تمام نشود، لذا در روز پنج شنبه هفدهم اسفندماه سال گذشته به فرمانداری بابل رفته تا به اطلاع فرماندار و یا معاونت عمرانی فرمانداری برسانم که متأسفانه در آن روز به علت جلسه ای که فرماندار و معاون ایشان در خارج از فرمانداری داشتند، توفیق دیدار و ملاقات را پیدا نکردم. جمعه شب ۲۵ اسفندماه حجت الاسلام ناصری - نماینده مردم بابل در مجلس شورای اسلامی - را ملاقات کردم و برای ایشان توضیح دادم اکنون زمان ورود مهمانان نوروزی است و اکثریت قریب به اتفاق مهمانان و شهروندان بابلی از پارک نوشیروانی دیدن می کنند، بنابراین زمینده شهری مثل بابل (که در گذشته بنا به نوشته بسیاری از سیاحانی که از این شهر عبور کردند و در خاطرات شان از بابل به عنوان یکی از زیباترین شهرها یاد کردند) نیست که چنین خرابه و کثیف



است که هر بیننده ای راه تاثر و تاسف وامی دارد! صبح روز پنج شنبه هشتم فروردین ماه امسال خدمت جناب مهدوی - فرماندار محترم بابل - رسیدم و این وضع اسفبار را شرح دادم و از او خواهش کردم که به طور سرزده بازدیدی از پارک نوشیروانی و اطراف آن داشته باشد تا مشاهده کند که معنای استقبال از مهمانان نوروزی این گونه است؟!

بعد از آن به شورای شهر رفته و از اعضای محترم شورای شهر آقای مهندس مسافری حضور داشتند و مطلب را به عرض اورساندم و ایشان هم برای آقای "خ" تلفن زدند و موضوع استخر را بیان کردند و او پاسخ داد: ان شاء الله تا خردادماه تعمیرات به پایان خواهد رسید و مهندس مسافری هم با کنایه و طنز گفتند: با این حساب به مسافران بگوئیم مجددا در خرداد به شهر ما بیایند و استخر تمیز پر از آب را ببینند!

روز پنج شنبه ۱۵ فروردین ماه مجددا به شورای شهر رفته تا درباره این وضع نامطلوب کل شهر بابل و خصوصا پارک نوشیروانی صحبت کنم که جناب دکتر فلاح - رئیس شورای شهر بابل - ارتباط تلفنی با آقای مهندس علی نیا برقرار کردند و من موضوع را برای چندمین بار مطرح کردم. البته علت اینکه در این مدت به شهرداری و نزد شهردار بابل نرفتم به خاطر این است که دو سال قبل خدمت جناب شهردار رسیدم و از ایشان درخواست کردم یک ساعت وقت شان را در اختیار این جانب بگذارم تا نواقص پارک نوشیروانی که تا بلوئی از شهر است و هر روز مورد استفاده هزاران نفر قرار می گیرد را به اطلاع او برسانم، شماره تلفنم را روی تقویم رومیزی یادداشت کردند اما تاکنون زنگی نزدند و این افتخار را به من ندادند تا به عنوان شهروندی که به همه استان های ایران و بسیاری از شهرهای دنیا سفر کرده ام، نظرات ناقصم را بیان کنم.

تیترا اخبار

با حضور احمدی نژاد
آزاد راه تهران شمال رسماً افتتاح شد

تولید ملی، رفاه عمومی

پرهیز از مصادیق مجرمانه
در انتخابات

تفریح
یا شکم چرانی؟!



تعصب حزبی و بانندی در انتخابات جایگاهی ندارد

ذات... زارعی
فرماندار میاندرود

در نظامات مبتنی بر تمرکز اداری، نظام سلسله مراتب برقرار است که در نهایت متصل به نظام حاکمیتی است و هر شخصی در حوزه محلی کاری انجام می دهد مأمور دولت است که این نوع نظامات در دنیا جایگاه چندانی ندارد. در کشورهای داعیه دار دموکراسی بحث عدم تمرکز بیشتر جنبه تشریفاتی دارد و نقش مردم عملاً در آن وجود ندارد، در حالی که در نظام اسلامی ما قانون اساسی اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ را پیش بینی کرده و به نقش شوراها در شکل گیری نظام عدم تمرکز اداری صحنه گذاشته است. شورای اسلامی از جایگاه ویژه ای در دنیا برخوردار است چرا که موجب تمرکز زدایی اداری می شود. تفاوت مسئولان در نظام اسلامی با نظام های دیگر در مردمی بودن مدیران است. شاید برداشت اولیه این باشد که تصمیم گیرنده نهایی مقامات دولتی هستند، اما نقش بی بدیل شوراها در تصمیم های محلی و کلان غیر قابل انکار است. جلوگیری از هدررفت ها، افزایش خلاقیت و نوآوری و انگیزه بیشتر ارائه خدمات، از مزیت های شوراهای اسلامی شهر و روستاست. البته باید به نبود تجربه کافی مردم سالاری دینی به دلیل سلطه ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی هم اشاره کنم و بگویم که انجام کار جمعی و مشارکتی بسیار دشوار است و اگر جایی در این ۳۵ سال انقلاب کاستی مشاهده شده است به همین دلیل است که سال ها یک نفر به مردم دستور داده است که چه کاری را انجام دهند. علی رغم همه و اتهامات به انقلاب و کشور، امروز نظام اسلامی مردم سالارترین نظام در دنیاست و نقش مردم در دورترین مناطق این کشور بارز و مشخص است. فهم من از جملات مقام معظم رهبری نیز این است که ما باید همه سلیاق و دیدگاه ها را به سمت خلق حماسه بکشانیم، چرا که واگرایی جامعه را به هیچ جایی نمی رساند و باید به سمت همگرایی حرکت کرد تا بتوان با مشارکت همگانی کشور را به توسعه پایدار رساند. در به فعلیت رساندن این امر باید طوری عمل کنیم که مردم نسبت به ما احساس اعتماد کنند. با انتخابات پیش رو مردم باید حس کنند که در سرنوشت سیاسی کشور خود دخیل اند و خود را از نظام حاکم جدا نمی بینند، بنابراین رعایت اصل بی طرفی یکی از اصول اصلی برگزاری انتخابات است. اگر مردم احساس اعتماد کنند و این بی طرفی را در مجریان و ناظران انتخابات ببینند، در انتخابات مشارکت گسترده خواهند داشت. انتخابات امانتی است که باید به درستی و به بهترین نحو ممکن از عهده انجام آن بر آمد و بهترین راهکار، اجرای مر قانون است، چرا که مقام معظم رهبری هیچ مصلحتی را بالاتر از عمل به قانون نمی داند. دولتی ها نباید به هیچ عنوان از نامزد خاصی حمایت کنند و یا اینکه موضع گیری له یا علیه فرد خاصی انجام و همچنین نباید به افرادی که دنبال فرصت طلبی هستند اجازه نفوذ داد. نکته دیگر این که تعصب حزبی و بانندی در برگزاری انتخابات جایگاهی ندارد، چرا که انتخابات فضای برد و باخت نیست بلکه فضای برد - برد است. اگر کسی برنده انتخابات شود که خوب برنده است و اگر کسی هم برای عمل به تکلیف در صحنه رقابت ها حاضر شده است باز هم برنده است چرا که در پیشگاه خداند متعال رؤسوفید خواهد بود.



برزگر: نمی توان با یک گرایش به نیاز های مردم پاسخ داد



برای دوستی، محبت و وحدت و وفای بین نیروهای دلسوز انقلاب و نظام و حمایت از آرمان های امام راحل (س) و فصل الخطاب قرار دادن رهنمود های مقام معظم رهبری می تواند زمینه های برگزاری انتخابات حماسی، پرشکوه و پرشور ۲۴ خرداد ۹۲ را فراهم کند. وی تصریح کرد: چنانچه امکان حضور سلیقه های سیاسی متنوع که مرزبندی خود را با دشمنان و بدخواهان نظام به روشنی نشان بدهند، فراهم شود، هر گروه و یا جریانی (اصلاح طلب یا اصول گرا یا مستقل ها) برنده انتخابات شوند قطعاً مورد رضایت و حمایت مردم و مسئولان و نظام خواهند بود. این فعال رسانه ای با اشاره به برخی از تنگناها و محدودیت های اقتصادی به واسطه سیاست های خصمانه دشمنان نظام، تأکید کرد: دولت آینده باید با همکاری مجلس به سمت اجرای کامل برنامه توسعه پنجم، سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام و تحقق احکام بودجه سالانه و حرکت در راستای شرایط مناسب برای زندگی بهتر شهروندان حرکت کند. این مدرس دانشگاه خاطر نشان کرد: دولت آینده در حوزه سیاست خارجی با استفاده از دیپلماسی تنش زدایی و اعتماد به جهان خارج و از موضع حقانیت و در عین حال با تکیه بر اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت باید شرایط را به گونه ای فراهم کند که حمایت از منافع ملی و مصالح نظام در مسیر عقلائی، تدبیر و اخلاق محقق شود.

حسین بزرگر - فعال رسانه ای و مدرس دانشگاه - گفت: تردیدی نیست که نوع سیاست گذاری، برنامه ریزی ها و هدف گذاری های دولت آینده بر زندگی شهروندان تأثیرگذار است. این عضو هیات مدیره خانه مطبوعات مازندران در گفتگویی اعلام کرد: با وجود گذشت ۳۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هنوز برخی از اصول، آرمان ها و اهداف انقلاب که در قالب میراث ملی، قانون اساسی، متبلور شده به صورت کامل اجرا نشده است. وی با اشاره به نامگذاری امسال از سوی مقام معظم رهبری به نام سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی و برگزاری همزمان انتخابات شوراها و ریاست جمهوری تصریح کرد: در شرایط دشوار کنونی و به دلیل سرعت بالای تغییرات اجتماعی، نمی توان با یک تفکر، گرایش و جریان خاص به نیاز های مردم پاسخ داد. بزرگر اظهار داشت: تنوع و تکثر سلیقه ها و روش های مدیریتی با حفظ اصول و کلیت نظام، امری پذیرفته شده و قابل دفاع است. وی با بیان اینکه تجربه انتخابات گذشته ثابت کرده است که مردم وفاداری خود را به نظام نشان داده اند، افزود: یکی از پیش نیاز های خلق حماسه ماندگار در صفحه سیاسی نظام در سال جدید، امکان حضور سلیقه ها و گرایش های متنوع در صحنه انتخابات است. این مدرس دانشگاه افزود: کنار گذاشتن بد اخلاقی ها، قهر و خصومت و کینه و تلاش

یادداشت

هادی ابراهیمی:

نظارت شورای نگهبان، استصوابی است

متن سخنرانی هادی ابراهیمی - رییس ستاد انتخابات مازندران و معاون سیاسی، امنیتی استاندار - در جمع ناظران شورای نگهبان قانون اساسی مازندران که به شکل یادداشت تنظیم شد. این مطلب در سایت خبرگزاری مهر هم قابل مشاهده است.



به اعتقاد ما نهاد شورای نگهبان یکی از مهمترین نهادهای حکومتی کشور است که شباهت زیادی با برخی از نهادهای حافظ قانون اساسی در تعدادی از کشورها دارد. در قوانین اساسی برخی کشورها نهادهایی به نام دادگاه قانون اساسی، شورای قانون اساسی و دیوان قانون اساسی تعیین شده است که با وجود برخی تفاوت ها از جهت ساختار و نوع مسئولیت با یکدیگر شباهت های فراوانی دارند. در قانون اساسی کشور ما شورای نگهبان جایگاه رفیعی دارد و نبودن این شورا در کنار مجلس قانونگذاری موجب بی اعتباری مجلس می شود. یکی از وظایف شورای نگهبان نظارت بر انتخابات است و در واقع شورای نگهبان رکن ناظر انتخابات و مجری هم وزارت کشور است. درباره فلسفه نظارت در انتخابات هم باید گفت: پیشگیری از رقابت های ناسالم بین داوطلبان و جلوگیری از تخلفات و خطاهای برگزار کننده انتخابات، فلسفه این نظارت است و البته صیانت از آرای مردم هم وظیفه مجریان انتخابات است. هر جا که تخلف، نظارت و خطای مجری محتمل باشد نظارت بر اجرا موضوعیت می آورد. اقدامات مجری نیز باید با تصویب و تأیید ناظر انجام شود، چون ناظر بر تمام مراحل تصمیم گیری حضور دارد. از سویی نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آرای عمومی و انتخابات است. طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، وظیفه نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است و طبق این اصل، شورای نگهبان وظیفه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را عهده دار است. نظارت شورای نگهبان طبق اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی بوده و شامل تمامی مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت نامزدها می باشد. جا دارد به نامگذاری سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی از سوی مقام معظم رهبری هم اشاره کنم که شعارهای سالیانه رهبری، تمامی حکایت از خلاء و نیازهای اجتماعی جامعه و نظام داری و سلب سمبلیک و نمادین نیست. حماسه سیاسی حضور فراگیر مردم در صحنه دفاع از انقلاب، نظام رهبری در بزنگاه های خاص است. حضور مردم در صحنه های مختلف اجتماعی، سیاسی جامعه علی الخصوص در انتخابات، حکایت از حضوری فراگیر و ادای تکلیف برای وفاداری به آرمان های نظام خواهد بود. حماسه سیاسی در واقع تبعیت از رهبری و دفاع از جایگاه ولایت و انقلاب اسلامی است و در این حماسه باید با بصیرت انقلابی عمل کرد. امسال سال ثبت رکوردهای بزرگ و شگفت انگیز در حوزه سیاست و اقتصاد خواهد بود و انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری و چهارمین دوره شورای اسلامی شهر و روستا آردگاه حماسه تاریخی ملت می باشد و بزرگترین رکورد ما در حوزه سیاست با حضور گسترده، ماندنی و دلآورانه مردم در انتخابات ۲۴ خرداد ثبت خواهد شد.

یادداشت

مجمع نمایندگان
و فرصت های
پیش رومهدی زمانی
روزنامه نگار و پژوهشگر

از یک سده پیش در پی نهضت مردمی مشروطه مجلس شورا پدید آمد تا قانون و نظم امور ناشی از اراده ملی باشد نه سلیقه و میل شخصی فرد یا افراد خاص؛ این بود که از آن روزگار تلاش شد مجلس در راس امور باشد، زیرا مجلس هم قانون و مقررات را می آفریند و هم در اجرا بر آن نظارت دارد و هم بالاترین دستگاه های اجرایی را در کنترل دارد و توان برکناری و ... بر این پایه مجلس در همه ی امور حکومتی نقش آفرین و در راس کارهاست. حداقل جایگاه و توان حقوقی این شان را پذیرفته و نشان می دهد. مردم از طریق نمایندگان زنده کننده و برپا دارنده ی این جایگاه هستند و چون مستقیماً از طرف مردم است بالاتر از آن دستی نیست. استقلال رای و شجاعت و مهارت تک تک نمایندگان در امور گوناگون کشور در چگونگی از این حق و جایگاه است که پختگی و درستی مقررات و تصمیم سازی ها را در پی دارد. این مهم از سوی برخی از اصحاب قدرت نادیده گرفته شده و با تضعیف رشد احزاب از شکل گیری مجالس قوی و موثر می کاهد. گاهی صریحاً اعلام شد که مجلس در راس امور نیست و شگفتا که با سکوت بزرگان بیرون و درون حکومت هم روبرو بوده است. این روند از امیدواری های می کاهد. از سوی دیگر نمایندگان قوی و شجاع می توانند این روند را تغییر دهند و بر جایگاه قانونی آن پای فشارند، در تصمیمات اصلی و کلان استانی و شهرستانی نیز چنین است. آغاز کار دفتر مجمع نمایندگان مازندران که به نظر می رسد از افراد با دانش ها و تجربیات گوناگون در آن حضور دارند زمینه ای است تا اهداف کلام و بلند مدت و میان مدت استان به درستی شناسایی و پیگیری شود. به عنوان نمونه از سوی نمایندگان دوره های گوناگون این استان اعلام شده که همه ی درآمدهای پدید آمده از مازندران در این استان هزینه نمی شود و بخشی از آن برای هزینه های خارج استان و کشور به مصرف می رسد. در حالی که برای همه ی استان ها چنین نیست و این مسئله مهمی است که اگر برای آن چاره جویی شود بسیاری از طرح ها و بودجه ها را خود به خود به سامان می رساند و برای مردم مازندران تحول ساز و توسعه آفرین خواهد بود. این خود احقاق حق بزرگی است. استانی که در طی سال ده ها میلیون نفر مسافر از بیرون به آن سرازیر می شوند از امکانات عمومی و گردشگری و ... سود می برند در حالی که هزینه این خدمات از فضای سبز و زباله و تخریب تدریجی محیط زیست از عوارض مردمی شهرداری ها و بودجه استانی که برای ورود به سه میلیون جمعیت است تأمین می شود. این بی عدالتی و ظلم بزرگی به مردم و محیط این سامان است. دست کم همه درآمدها برای استان هزینه شود و به خاطر ویژگی مسافرپذیری که چندین برابر جمعیت ساکن است از بودجه عمومی کشور برای خدمات بهتر و عادلانه به گردشگران در این استان استفاده شود. می دانیم که گردشگری خود فرصت بزرگی برای کشور است. این نگاه و این گونه اهداف است که به مجمع نمایندگان مازندران معنی می دهد و هدف ساز و نقشه ی راه است. نقشه ی راهی که در برنامه های کوتاه و بلند مدت از آن می توان نتیجه و اثر علمی و روشنی را از مقررات به اجرا مشاهده کرد و نیز حل یک مشکل اساسی و مسیری مطلوب برای آن در نظر گرفت. همچنین برای نمایندگان آینده مرحله ی بالاتری از پیشرفت و پیگیری را پدید آورد. مسیری که در صورت تشریفاتی نشدن فعالیت این مجمع کمک بزرگی برای پیشرفت و توسعه واقعی استان است.

۱۴ هزار نفر از چهلستون بازدید کردند

شهردار بهشهر گفت: فعالیت های حوزه توریسم سبب ایجاد شغل، تامین فرصت های تجاری و کاری تازه و تقویت اقتصادهای محلی می شود. قاسم جعفری با بیان این که توریسم به عنوان ابزاری نیرومند در توسعه اقتصادی کشور است، افزود: ایجاد ارتباط میان توریسم و میراث فرهنگی می تواند از سطح اقتصادهای محلی فراتر رفته و گنجینه های فرهنگی را از یک حوزه محدود محلی، کاملاً جهانی کند. شهردار بهشهر با بیان اینکه گردشگری در حوزه میراث فرهنگی می تواند منبع آثار چشمگیر اقتصادی در سطح اقتصادهای محلی باشد، عنوان کرد: متأسفانه جنبه منافع اقتصادی حاصل از این فعالیت ها نظیر مشاغل و تجارت های تازه و افزایش جنبه مادی توریسم کمتر به نظر رسیده که اگر برنامه ریزی درستی صورت پذیرد می تواند سبب ارتقای غرور ملی شود. جعفری بر نقش موثر جوانان در گسترش صنعت گردشگری تأکید کرد و ادامه داد: صنعت جهانگردی همواره در پی ایجاد فرصت هایی برای جذب افراد بیکار به ویژه جوانان هر شهر است. شهردار بهشهر در خصوص میزان گردشگری که نوروز امسال از باغ چهلستون بازدید کردند، گفت: در تعطیلات نوروز بیش از ۱۴ هزار گردشگر داخلی و ۱۳۳ توریسم خارجی از این باغ بازدید کردند.



آلودگی و انباشت زباله در حاشیه رود تجن ساری



زنده یاد استاد غلامرضا کبیری قطعه شعری دارد به نام "قصه تجن" که از زبان رود "تجن" سروده شده

و مطلع آن چنین است:

این تا که دره و کوه ره مجنه

منمه من، که منه نوم تجنه

مثنوی ادامه می یابد تا بدین جا:

نصف شو وقتی که سر دمیه خونش

لرگ، خوشونه و فک و نندنه چش

و ادامه آن: اون زمونی که مه او هسه زلال

ماه ره کش گرمه چه بدره، چه هلال

و چند بیت جلوتر:

دره ماهی مه دله جور به جور

ماهی اسبه و آزاد و کپور...

استاد کبیری خوش شانس بود که نماند تا ببیند از تجن شعر او نه خونشی مانده و نه لرگ و فکی و حتی ماهی و ماهیگیری! آن چه مانده زباله است و زباله!

مهندس درویشعلی کولاییان ریشه تمدن مازندران را در برنج و نه‌های آبی می داند که اطراف حوزه تجن کنده شده است.

او باور دارد: با آمدن مردم مهاجر از شمال هند، ایجاد کانال های آبیاری و کشت نباتات مختلف به ویژه کشاورزی برنج در منطقه آغاز شد.

حال تجنی با این سابقه و تمدن، تجنی که می توان کناره آن را تفریح گاه مردم و مسافران کرد، به این حال و روز در آمده که در تصویرها می بینید.

مکان عکس ها: ابتدای روستای کتی لته ساری، زمان ۲۰ فروردین ۱۳۹۲

با حضور احمدی نژاد

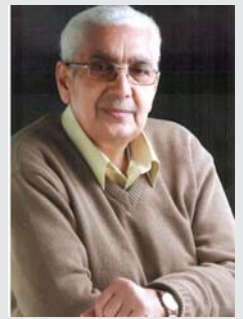
آزاد راه تهران شمال رسماً افتتاح شد

رئیس جمهور چهارشنبه با حضور در غرب مازندران پس از شرکت در مراسم آغاز پروژه ساخت راه تنکابن به قزوین و قطعه چهارم آزاد راه تهران شمال، رسماً افتتاح کرد. سفر رئیس جمهور به مازندران در حالی محقق شد که در دو زمان قبلی، سفر وی به استان لغو شده بود. رئیس جمهور در این مراسم در سخنانی با اشاره به آغاز عملیات اجرایی آزادراه تنکابن الموت قزوین گفت: کار این آزادراه از سمت قزوین آغاز شده است و با جدیت به پیش می رود و همچنین امروز نیز کار آن از سمت تنکابن به صورت رسمی آغاز شد تا یکی از دغدغه های ما برطرف شود زیرا کار را به دست مردانی سپردیم که کار در شب و روز برایشان فرقی نمی کند و ما امیدوارم هر چه سریع تر این کار نیز به پایان برسانند. احمدی نژاد در ادامه به طرح دولت برای احداث قطار سریع السیر در طول شمال کشور اشاره کرد و گفت: به مردم شمال مژده می دهیم که عملیات اجرایی این طرح در همین دولت دهم آغاز می شود. وی افزود: منطقه شمال یک منطقه استثنایی برای کشور است که آثار اقتصادی زیادی دارد و ما باید از این ظرفیت ها که حتی خیلی از آنها برای ما ناشناخته است ابتدا شناسایی و به کار برده شود.



در هر تصادفی پای یک پراید در میان است!

عکس زیر را همکار ما محمدحسین ملایی کندلوسی فرستاده که مربوط است به تصادفی که ۱۷ فروردین ماه در جاده نوشهر به چالوس رخ داد. همانطوری که در تصویر مشاهده می شود خودروی پراید به صورت واژگون شده بر روی سقف خود دیده می شود. در این سانحه گویا خودروی پژو ۲۰۷ با پراید برخورد دید می کند و خودروی پراید به طور بسیار خطرناکی از مسیر خود به طرف بلوار کناری خود پرتاب می شود و بر روی سقف خود فرود می آید. در هر تصادفی پای یک پراید در میان است!



لعنت خدا بر کسی که به حسین اسلامی رای دهد!

حسین اسلامی ساروی - مورخ و پژوهشگر برجسته - نوشته کوتاهی را برای ما فرستاده که در آن شایعه نامزدی اش را برای انتخابات آینده شوراها تکذیب کرده است. اسلامی با نثر خاص خود چنین نوشته:

«مردم محترم شهرستان ساری، من حسین اسلامی هستم. من هیچ حقی به گردن شما ندارم، به شما بدهکار هستم که طلبکار نیستم. اما یک خواهش از شما دارم، راه رضای خدا در انتخابات شورای شهر ساری و نمایندگی مجلس و هر نوع انتخابات به نام حسین اسلامی رای ندهید، من به کسی که به نام من حسین اسلامی رای بدهد لعنت می کنم. خدا لعنت کند و پدر و مادرش را نیامرزد که به من حسین اسلامی رای بدهد.»



اویس فلاح ماکرانی،

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا:

پرهیز از مصادیق مجرمانه در انتخابات

همه ما به نوعی در محفل، سخنرانی، همایش و ستادهای انتخاباتی شرکت نمودیم و آشنایی جزئی با این موضوع داریم. با توجه به اینکه شرکت در انتخابات نوعی وظیفه شرعی، تکلیف عمومی، اقتدار ملی و دارای اهمیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است بنابراین نمی توان بی تفاوت از کنار آن گذشت.

برخی نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آنان به شیوه های تبلیغی غیر منطقی و غیر رسمی متوسل می شوند که این موضوع از چشم مردم، مسئولان و دستگاه های نظارتی پوشیده نیست. دو ماه مانده به یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، آنچه که مورد بحث ماست مصادیق مجرمانه در انتخابات ریاست جمهوری آینده است که دادستانی کل کشور با احصای محتوای این مصادیق، نسبت به اطلاع رسانی آن اقدام کردند تا اتمام حجتی برای همه باشد. بهمن ماه سال گذشته کارگروهی که به ریاست دادستان محترم کل کشور تشکیل شد، شانزده مورد از مصادیق مجرمانه مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری را احصا کرد که در زیر به مهمترین آن اشاره خواهد شد. بر این اساس تشویق و ترغیب مردم به تحریم و کاهش شرکت در انتخابات و تحصن و ایجاد اخلاص در انتخابات مطابق ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری جرم و قابل مجازات است. چندی پیش در تعدادی از سایت ها اعلام شد که سایت های رسمی برخی از شهرداری ها از اعضای خاصی در شورای شهر یا از نامزد خاصی حمایت می کنند به همین منظور مطابق مواد ۶۲، ۶۸ و ۸۸ قانون انتخابات، استفاده غیرمجاز از سایت های متعلق به دستگاه های دولتی و نهاد های عمومی جهت تبلیغ علیه یا له نامزدها جرم محسوب می شود. در انتخابات گذشته، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از استان ها از امکانات دولتی و همچنین برخی از کارمندان و مسئولان دفاتر دستگاه های حکومتی جهت تبلیغ نامزدهای خاصی به کارگیری کردند که این مورد مصداق جرم موضوع ماده ۶۸ قانون فوق الذکر است که بیان می دارد: تبلیغ از طریق میز خطابه نماز جمعه یا هر وسیله ای که جنبه رسمی و دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و امکانات دولتی و نهادهایی که بودجه عمومی دارند، ممنوع و جرم محسوب شده که مجازات آن یک تا شش ماه حبس می باشد. در همین راستا در ۱۴ فروردین سال جاری حضرت آیت ... آملی لاریجانی - رئیس محترم قوه قضائیه - نیز در جمع مسئولان عالی قضایی، استفاده از امکانات دولتی جهت تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری را جرم دانستند و بر نظارت و برخورد جدی با مجرمان تاکید کردند. قدر مسلم این است که تلاش تمام احزاب، گروه ها، جریان های سیاسی و حامیان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در جهت برگزاری هر چه باشکوه تر انتخابات و به صحنه آمدن اقشار مختلف مردم پای صندوق های رای است تا با گردن نهادن به قانون، فرد اصلاح با رای مستقیم و مخفی مردم انتخاب شود.



MEHR

ربابه حسین پور
روزنامه نگار

تفریح یا شکم چرانی؟!

دور و بر خودمان کم نداریم کسانی که بی هیچ پشتوانه فکری و دانشی و حتی اقتصادی بسیار پر ادعا هستند و همیشه سعی دارند کمبودهای شان را با اعتماد به نفس کذایی و کوبیدن بر طبل تو خالی ادعا جبران کرده، خودی نشان دهند. اینان در جمع به گونه ای ظاهر می شوند که انگار خدا را بنده نیستند، حرف های شان حول محور من و خانواده ام، سفر های خارجی، اصالت ذاتی، تحصیلات بالا، فلان مارک و مد لباس و... می گردد، ولی در خانواده ای پرورش یافته اند که رگ و ریشه شان را می شناسی اما وقتی بیرون آنها را می بینی نمی شناسی شان و دهانت از تعجب باز می ماند!!

همه اینها را در تعطیلات نوروز امسال دیدم. فرصتی دست داد تا به پهانه تمدد اعصاب در کنار ساحل با الهام از آرامش دریا دقایقی را سپری کنم، اما متأسفانه تنها چیزی که حاصل شد آرامش بود. آن قدر ساحل شلوغ بود و برخی بدون توجه و احترام به حقوق دیگران رفتارهای ناهنجاری بروز دادند که با خود می گفتم اگر در خانه می ماندم بسیار بهتر بود.

جمعی از مردان بدون توجه به حضور بانوان در کنار ساحل برهنه شدند و به دریا زدند، برخی هم با شلوارک و رکابی در ساحل توپ، شوت می کردند، بچه ها هم مشغول آب بازی و ماسه بازی بودند، برخی از زنان هم با لباس های آنچنانی در سواحل جولان می دادند، این روزها هم که قلیان کشیدن جنبه کلاس پیدا کرده، دست هر دختر و پسر نوجوانی مثل اسباب بازی دست به دست می شد و جالب تر از آن رقابت شان در مدل دودهایی بود که از خروجی دهان و بینی شان بیرون می دادند!!

برخی ها هم مشخص بود حالت طبیعی ندارند، بازار عکس های یادگاری هم داغ بود. در همین حین صدای موسیقی تند غربی توجه همه را به خود جلب کرد. چند دختر جوان با آرایش های تند خلیجی و لباس های تنگ و چسبان از خودرویی پیاده شدند و شروع کردند به رقصیدن!!

چند پسرک جوان هم که وضعیت را مطابق میل شان دیدند، با آنها وارد استیج رقص شدند و دقایقی را با هم خندیدند و رقصیدند، سپس سوار ماشین شان شدند و رفتند!!

۱۳ بدر امسال را هم مثل همه سال ها کنار ساحل گذراندم، هر وقت تابستان یا تعطیلات نوروز به طبیعت می روم سنگین به خانه بر می گردم؛ اول از شلوغی و جمعیت فراوان و بعد از رفتارهایی که هنوز بلد نیستیم در بیرون از خانه داشته باشیم.

ما جمعیتی هستیم که متأسفانه شادی کردن را بلد نیستیم و سریع با دیدن جمع، جوگیر شده و رفتارهایی از خود بروز می دهیم که تعجب برانگیز و گاه خجالت آور است.

ما غصه خوردن و ژست غصه دار بودن را خوب بلدیم و به راحتی غمگین می شویم اما نمی توانیم درست شادی کنیم.

در تفریحات، شادی خود را به طرز مصنوعی جلوه می دهیم، همیشه در حال خوردن، آن هم غذاهای سنگین مثل کباب مرغ، ماهی و گوشت، انواع میوه ها، صیفی جات و تنقلات هستیم، انگار که قصد خفه کردن خودمان را داریم، از هر طرف بوی کباب بلند می شود و زنان هم ناچارند مرتب سفره را بچینند و جمع کنند! تفریح و گردش های ما بیشتر شبیه شکم چرانی است، آن قدر خسته می شویم که بعد از این دست تفریحات باید چند روز در خانه بمانیم و استراحت کنیم.

متأسفانه تقلید ما از تفریح و خوشگذرانی در هر مناسبتی بسیار ناشیانه صورت می گیرد و جز زحمت برای خود و دیگران و رنج و خستگی حاصلی ندارد.

نمی دانم چرا نمی توانیم ساده و سبک سفر و تفریح کنیم، طوری که چنین تفریحاتی باعث شود بتوانیم برای روزهای آتی انرژی ذخیره کنیم و سرحال و قیام کارهای مان را از سر بگیریم!

شاید باید به جای تقلید، الگویی درست انتخاب و در زندگی مان پیاده کنیم، الگویی که توسط نهادهای فرهنگی و رسانه ها معرفی و شناسانده شود!



MEHR

تولید ملی، رفاه عمومی

حماسه اقتصادی تدوام اقتصاد مقاومتی است. یک بررسی اجمالی نشان می دهد که مهم ترین رکن ارتقای اقتصاد یک جامعه بالا بودن تولید ملی است. هر قدر ما بتوانیم تولید ملی را

روح الله عالی
روزنامه نگار

افزایش دهیم در استحکام و تدوام امنیت اقتصادی، اجتماعی، حتی سیاسی کشور کمک شایانی نموده ایم. تولید ملی از یک سری مزایایی برخوردار است که به طور اجمال به برخی از آنها اشاره می کنیم: حفظ و ایجاد اشتغال بالا، کاهش قیمت محصولات تمام شده با توجه به تولید انبوه، کاهش وابستگی ارزی که چنانچه به مرحله صادرات برسد به رشد ارزی هم خواهیم رسید، افزایش منافع مردم با توجه به رقابتی شدن فضای کسب و کار، کاهش واسطه گری از جمله واسطه گری کالاها و وارداتی، مقابله با تحریم و دسترسی به خودکفایی اقتصادی، انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه گذاری بیشتر با توجه به ثبات قیمت ها و تعادل عرضه و تقاضا در بازار، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و حضور در عرصه های اقتصادی دنیا، کاهش صادرات مواد خام کشور در آینده از صادرات مواد خام خسارات جبران ناپذیری خواهد خورد و منابع ملی رو به اتمام خواهد بود و خام فروشی تهدید جدی محسوب می شود و افزایش درآمدهای ناشی از مالیات و ایجاد زیرساخت های اساسی کشور و در نتیجه ایجاد رفاه عمومی در جامعه از جمله مواردی است که از تولید ملی ناشی می شود. شایسته است که بدانیم واحدهای تولیدی داخل باید با بررسی کارشناسانه در تهیه مواد اولیه، تولید و فروش محصولات خود بازنگری اساسی انجام دهند تا محصولات داخلی نزد مشتریان جایگاه ویژه ای پیدا کند.

موارد زیر از جمله موضوعات مهمی است که تولیدکنندگان داخل می توانند با رعایت این نکات به تولید مناسب با فروش و بهره وری بالا دست پیدا کنند:

۱- واحدهای تولیدی باید به خواسته مشتری توجه کنند و تولیدات شان براساس میل مشتری باشد، نه آنچه را که خودشان می پسندند.

۲- تکنولوژی تولید باید به روز باشد تا محصولات با کیفیت بهتر و کار آیی مناسب تر تولید شود.

۳- تولید محصولات متنوع باشد تا مشتری حق انتخاب داشته باشد.

۴- قیمت تمام شده پائین باشد تا محصولات با قیمت مناسب تر و کیفیت بهتر تولید شود که تهیه مواد اولیه، کاهش مصرف انرژی، مدیریت مناسب تولید و... در کاهش قیمت تمام شده نقش مهمی دارد.

۵- بسته بندی مناسب امروزه از جمله مواردی است که باید بیشتر به آن توجه شود و در اولویت مهم اجزای تولید قرار گیرد.

همه آنچه را که گفته شد بر این موضوع تاکید دارد که تولید داخلی باید مورد حمایت قرار گیرد که در این حمایت هم دولت هم مردم و هم خودتولید کننده باید هرکدام نقش خودشان را به خوبی ایفا نمایند تا با افزایش تولید، افزایش سرمایه در جامعه ایجاد و رفاه عمومی برای مردم فراهم شود و مهمتر از همه اینکه حمایت از تولید ملی باید به عنوان یک فرهنگ عمومی در جامعه رواج پیدا کند تا بتوانیم در مقابل تحریم ها با صلابت بایستیم و رشد اقتصادی را در سطح ملی و بین المللی بالا ببریم.

انجمن آقایان فوق العاده!

گزارشی از میزگرد بررسی عملکرد دوره سوم شورای اسلامی شهر آمل

شکوفه طباطبایی: پنج کارشناس ارشد آملی در میزگردی که روز پنجشنبه گذشته به دعوت هفته نامه «ندای شمال» در مهدیه آمل برگزار شد، در حضور اهالی رسانه، عملکرد شورای این شهر را مورد نقد و بررسی قرار دادند. اعضای شورای شهر آمل علی رغم دو بار دعوت کتبی نشریه «ندای شمال» حاضر به شرکت در این میزگرد نشدند. استاد لطف الله آجدانی منتقد برجسته تاریخ مشروطه، مریم پروین عضو سابق شورای شهر و مدرس

دانشگاه، مهندس اسدالله تورنگ عضو سابق شورای شهر، مهندس رمضان زاده شهردار سابق آمل و بهزاد جوادیان جانشین رئیس دانشکده‌های پرستاری و پیراپزشکی آمل، کارشناس حاضر در این میزگرد بودند و مجری برنامه نیز روزبه نصیری -مدیر سایت هراز نیوز بود. گزیده ای از مطالب مطرح شده در این میزگرد به نظر می رسد.

شورای شهر آمل کارنامه ضعیفی دارد

آجدانی با اشاره به اینکه پاسخ گویی به افکار عمومی از وظایف شورای شهر است، ضمن ابراز تاسف از حضور نیافتن اعضای شورای شهر آمل در میزگرد گفت: با توجه به انتقادات زیادی که به عملکرد شورای شهر آمل وارد است، بهتر بود آقایان در این میزگرد که به بررسی عملکرد آنان اختصاص دارد شرکت می کردند. به رغم دعوت های مکرر کتبی هفته نامه «ندای شمال» حضور نیافتن آقایان، نشانه ضعف و ناتوانی آنها و نبود احساس مسئولیت پذیری ایشان در پاسخ گویی به افکار عمومی است.

او در ادامه گفت: ما به محدودیت ها و خلاهای قانونی شوراها شهر آگاهیم، اما شورای شهر آمل در چارچوب قانون موجود و ظرفیت های آن نیز ناتوان عمل کرده است. مثلاً به موجب بند ۱ ماده ۷۱، بررسی مشکلات، نارسایی ها، کمبودها و نیازهای شهر در حوزهای فرهنگی، اجتماعی، رفاهی، آموزشی و ارائه طرح و راه کارهایی در این زمینه به مسئولان ذی ربط، از جمله وظایف شوراها شهر است، اما بر اساس مستندات موجود و با توجه به مصوبات کمیسیون های مختلف این شورا، نشانی از آسیب شناسی و طرح و تدوین و ارائه راهبردهایی برای توسعه شهر به مسئولان در کارنامه شورای شهر دیده نمی شود.

آجدانی به بندهای ۱۰ و ۳۱ ماده ۷۱ قانون شوراها شهر و روستا اشاره کرد و گفت: بر اساس این بند شورای شهر موظف است هر شش ماه یک بار صورت جامع هزینه ها و درآمدهای شهرداری و سالی یک بار صورت جامع هزینه ها و درآمدهای شورای شهر را به صورت شفاف و مکتوب



منتشر و به اطلاع عموم برساند که متأسفانه شورای شهر آمل در این زمینه نیز رویکرد شفافی نداشته است. این پنهان کارهای موجب تشویش افکار عمومی می شود.

این مدرس دانشگاه افزود: بر اساس بندهای ۱۸، ۱۹ و ۲۸ ماده ۷۱ قانون شوراها که بر نقش نظارتی آن بر امور بهداشتی اماکن عمومی تحت نظارت بخش های خصوصی، دولتی و تعاونی - های اشاره دارد، شورای شهر آمل نیز کارنامه ضعیفی دارد.

او با ارائه تصاویری از مجسمه های حیوانات نصب شده در پارک طلایی آمل، دیوارهای تخریب شده و انباشت زباله در مرکز بازیافت زباله و زباله های حاشیه رود هراز مصادیقی از صحت نظریات خود را ارائه داد و گفت: «شورای شهر سالهاست با هیاهو وعده داده که در حاشیه رود هراز طرح توسعه گردشگری را به مساحت ۸ کیلومتر اجرا خواهد کرد، وعده ای که بعد از گذشت چند سال نه تنها تحقق نیافته که حاشیه این رودخانه، بالاخص در مرکز شهر و روبروی پارک طلایی به مرکز انباشت زباله و نخاله تبدیل شده و چهره زشتی به شهر داده است.»

چه کسی پاسخگو است؟

آجدانی با اشاره به تبصره ۱ ماده ۷۴ قانون شوراها شهر و روستا گفت: «بر اساس این تبصره، عقد هر نوع قراردادی با اعضای شوراها شهر و روستا یا هر یک از بستگان درجه یک آنها با شهرداری ها و سازمان های تابعه ممنوع است، اما بر اساس مصوبه شورای شهر آمل، قراردادی برای خرید دو عنوان کتاب با دکتر عماد حسینی، نایب رئیس شورای شهر آمل منعقد می شود و مبلغ دوازده میلیون تومان بابت خرید آن دو عنوان کتاب به ایشان پرداخت می شود، اما جالب این است که در مصوبه شورای شهر نامی از نویسنده کتاب برده نمی شود، در حالی که شورای شهر در



مصوبات دیگری که برای خرید کتاب از نویسندگان کتب دیگر داشته صریحاً به نام کتاب و نام نویسنده اشاره کرده است. آیا این نوع پنهان کاری ها موجب بی اعتمادی مردم و تشویش اذهان عمومی نمی شود؟» وی افزود: «شورای شهر آمل در اقدامی دیگر از همین دست و بر خلاف قانون، حمایت مالی چند میلیون تومانی را از تهیه کننده یک آلبوم موسیقی به اجرامی گذارد که تهیه کننده آلبوم دکتر داودقاسمی برادر علی قاسمی رئیس شورای شهر آمل است، چرا شورای شهر آمل برای اقداماتی غیر قانونی این چنین از بودجه بیت المال هزینه می کند؟»

آجدانی هم چنین گفت: «این خریدها و حمایت ها در شرایطی صورت می پذیرد و شهردار آمل آقای امیرسلیمانی آنها را بی دریغ به مورد اجرامی گذارد که از اجرای کامل و صریح مصوبه شورای شهر آمل، برای خرید کتاب ارزشمند «گنجینه تصاویر آمل» اثر استاد قدرت الله حسن زاده خودداری می کند و شورای شهر آمل نیز ناتوان در دفاع از مصوبه خود سکوت می کند و علت اجرا نشدن آن را از شهردار آمل مورد پرسش قرار نمی دهد.

وی پرسید: آن حمایت های بی دریغ از کتاب و آلبوم موسیقی اعضای شورای شهر و بستگان آنها و این خودداری از اجرای کامل مصوبه شورای شهر حامل چه پیامی است؟ چه کسی یا کسانی مانع خرید کتاب ارزشمند گنجینه تصاویر آمل شده اند؟»



کجا بودید و چکار می کردید؟

آجدانی در بخش دیگری از نقد عملکرد شورای شهر آمل، موارد استیضاح حسین علیزاده شهردار سابق آمل را مورد بحث قرار داد و گفت: شورای شهر مواردی را برای استیضاح و برکناری شهردار سابق آمل مطرح کرده بود که ۲۳ ماه بعد از حضور مهندس امیرسلیمانی و کنار رفتن شهردار سابق، هنوز به قوت خود باقی مانده و اصلاح نشده است، اما شورای شهر آمل نه تنها مهر سکوت بر لب زده که در مواردی حتی رضایت کامل خود را از عملکرد شهردار فعلی اعلام کرده است.

این روزنامه نگار در بخش دیگری از صحبت های خود به مصاحبه سیدمحمد پژومان رئیس سابق و عضو فعلی شورای شهر آمل درباره نیروهای مزاد در زمان حسین علیزاده و گزارش ۱۵۰ صفحه ای از تخلفات شهردار سابق که به سازمان بازرسی کل کشور ارائه شده بود اشاره کرد و گفت: «اگر در زمان حسین علیزاده نیروهای مزاد در شهرداری آمل و سازمان های تابعه آن جذب شده بودند، باید در دوره تصدی گری مهندس امیرسلیمانی در شهرداری آمل تعدیل می شدند که نه تنها چنین اقدامی صورت نگرفت که حتی نیروهای جدیدی نیز استخدام شدند.»

وی همچنین با توجه به برائت حسین علیزاده از سوی بازرسی کل کشور، رئیس سابق شورای شهر سیدمحمد پژومان را مورد پرسش قرار داد که چرا بدون رعایت اخلاق انسانی و شرعی و قبل از صدور حکم محکومیت از جانب یک مقام قضایی آبروی فردی را بر باد داده است.

آجدانی هم چنین سخنان و ادعاهای سیدمحمد پژومان را مبنی بر عزل عده ای از کارمندان شهرداری در آغاز مسئولیت شهرداری آقای امیرسلیمانی را مورد نقد قرار داد و گفت: «آقای پژومان مدعی هستند که تعدادی از کارکنان شهرداری به خاطر تخلفات گسترده ای که طی سالها داشتند عزل شده اند» این ادعا بیش از آنکه نشانی از کارآمدی شورای شهر بر عزل عناصر ناکارآمد و متخلف و پاکسازی شهرداری از وجود آنها باشد، نشان ناتوانی شورای شهر آمل در انجام وظایف نظارتی خود است و به نوعی یک نوع خودزنی غیرآگاهانه است.

وی ادامه داد: پرسش من از سیدمحمد پژومان و دیگر اعضای شورای شهر این است: شما که باید بر شهرداری و سازمانهای تابعه آن نظارت می کردید کجا بودید و چکار می کردید؟ چرا به نقش نظارتی شورا که از وظایف مهم شماسست عمل نکردید؟

چند نفر از بستگان شما استخدام شده اند؟

آجدانی در این مناظره گفت: مورد دیگری که اعضای شورای شهر آمل باید به آن پاسخ دهند این است که چند نفر از بستگان شما در استخدام های جدید شهرداری و سازمان های تابعه در زمان شهرداری جدید مهندس امیرسلیمانی حضور دارند؟»

این مورخ برجسته با اشاره به جزوه ای که در زمان ریاست سیدمحمد پژومان در شورای شهر آمل منتشر شد گفت: «در این جزوه صریحاً چاپ عکس و نقشه و تفضیلات به طرح هایی اشاره شده که باید به اجراء در می آمد، اما بیشتر آنها محقق نشده است.

وی پرسید: طرح دو منطقه ای شدن شهر آمل به چه نتیجه ای رسیده است؟ پروژه طرح توسعه گردشگری حاشیه رود هراز هنوز محقق نشده است. پروژه بازار محلی در ۲۵ منطقه شهر چه شده است؟ پروژه تعریض خیابان امام رضا (ع) به کجا انجامید؟

این مدرس دانشگاه ادامه داد: پروژه ها و طرح های ناکام دیگری که تنها در مرحله حرف باقی مانده اند و در ۲۳ ماهی که از شهرداری مهندس امیرسلیمانی می گذرد به اجرا در نیامده اند، جالب اینکه شورای شهر نه تنها در برابر شهر دار جدید سکوت کرده که حتی رضایت کامل خود را از عملکرد شهردار فعلی ابراز داشته است.»

الآن شورا در اختیار شهرداری است تا شهرداری در اختیار شورا

مهندس اسدالله تورنگ کارشناس بعدی بود که به بررسی عملکرد شورای شهر آمل پرداخت و گفت: کار بدی که در زمان شهرداری حسین علیزاده صورت گرفت این بود که ناگهان شورای شهر عوارض ساخت و ساز را بالا برد و این کار ضربه سنگینی به اقتصاد شهر زد، به شکلی که دوستان و فعالینی که در بخش مسکن فعال بودند کار در آمل را رها کرده به شهرهای دیگر رفتند.

وی افزود: مشکل عمده دیگری که دوستان حاضر در شورای شهر آمل دارند این است که عنصر متخصص در بین خود ندارند که با مقوله عمران و

چهل تیکه بگذارم یا چهارصد تیکه!

آجدانی در پاسخ به پرسش مجری مبنی بر تعریف حقوق شهروندی و صیانت شورای شهر آمل از حقوق شهروندان آملی گفت: «واژه شهروندی در نظام جدید فکری، مقوله ای است از یک سو موظف و از سوی دیگر محق؛ یعنی برای هر یک از آدم‌ها از آحاد جامعه فراتر از رعیت که در تاریخ میانه ی ایران، اصولاً یک عنصر مکلف بود حقی قائلیم و بر این اساس حقوق شهروندی شکل می‌گیرد، اما اینکه حقوق شهروندی را در حوزه وظایف و اختیارات شورای شهر در چه مصادیقی می‌توانیم بیابیم، اگر بحث انتزاعی را رها کنیم و به بحث انضمامی بپردازیم باید این گفت در گذشته وقتی مادران، لحاف و تشک درست می‌کردند می‌گفتند چهل تیکه است، امروز من نمی‌دانم اسم آسفالت معابر شهر آمل را مانند لحاف مادران خود چهل تیکه بگذارم یا چهارصد تیکه!

وی افزود: وقتی همشهری ما در هنگام رانندگی در دست اندازهایی که وحشتناک است، نه تنها از رانندگی لذت نمی‌برد حتی احساس امنیت هم نمی‌کند، این به نظر من پیامال کردن حقوق شهروندی است. این مدرس دانشگاه استدلال کرد: وقتی پروژه ای که بر اساس مصوبه شورای شهر انجام می‌شود، احیاناً از نظر چگونگی دخل و خرج، بودار باشد این بی‌اعتنایی به حقوق شهروندی است.

آجدانی در بخش دیگری از انتقادات خود، بهره برداری نکردن از هتل بزرگ و تاریخی آمل را مورد پرسش قرار داد و پرسید: «هتل آمل با ده‌ها میلیون تومان هزینه بازسازی شده اما طی شش سال گذشته نه شورا و نه شهرداری حتی قادر به جذب بخش خصوصی برای بهره‌برداری از آن نشده است. آیا این توانمندی است یا ناتوانی؟ آیا با این ناتوانی نباید آرزو کنیم که بهار ۹۲ زمستان سردی را برای بسیاری از اعضای شورای شهر در انتخابات پرشوری که پیش رو داریم رقم بزنند یا نه؟

حرف‌هایی که پذیرفتنی نیست

آجدانی در تکمیل انتقاد مریم پروین در مورد جذب و عزل کارکنان شهرداری و پرسش‌ها و ابهاماتی که وجود دارد، گفت: محمد پژومان رئیس وقت شورای شهر در مصاحبه ای گفتند که «سال گذشته با توجه



به بروز مشکل استخدام نیروی مازاد توسط شهردار سابق آقای حسین علیزاده، به شدت تصمیم گرفتیم تعدیل نیرو را در شهرداری انجام دهیم که متوجه شدیم با این کار باید دویست نفر را در شهرداری تعدیل کنیم، اما به دلیل اینکه به هر حال این افراد به کار گیری شده و بر اساس آن زندگی تشکیل داده بودند از تعدیل صرف نظر کردیم.»

وی با بیان این که من این حرف را نمی‌پذیرم، افزود: در سیستم مدیریت اگر قرار است نیرویی تعدیل شود باید این کار انجام پذیرد، این داستان سازی‌ها چیست که با همین توجیه یک شهردار را عزل کنیم و در زمان شهردار دیگر آن را توجیه کنیم؟

این مورخ برجسته با اشاره به این که علاوه بر این نیروهای مازاد همان طور که پیشتر هم گفتیم نیروهای جدیدی در زمان شهردار فعلی استخدام شده اند یا به قول شهردار توانای ما آقای امیرسلیمانی «کار آفرینی» شده اند، ادامه داد: باید این مصادیق مشخص شود.

وی گفت: مورد دیگر اینکه در نیروهای جدید استخدام شده در زمان شهردار فعلی حداقل ۲۳ نفر از اعضا و بستگان سببی و نسبی اعضای فعلی شورای شهر آمل دیده می‌شوند. می‌خواهم بگویم وجود یک چنین رفتارهای زشتی است که باعث به وجود آمدن تشویش در افکار عمومی می‌شود.

آجدانی تصریح کرد: من امید دارم در انتخابات آتی مردم شریف آمل با آگاهی تمام و شناخت دقیق کسانی را روانه شورای شهر کنند که ۱. به حوزه وظایف و اختیارات خود واقف باشند ۲. از نظر اخلاقی و مالی سلامت لازم را داشته باشند ۳. دلسوز و پاسخگوی مردم باشند ۴. از کژتابی‌های احتمالی فکری و احتمالاً کژتابی‌های دستی مبرا باشند. ۵. و به یاری خدا از دست یازی به اموال بیت المال هم مبرا باشند.

شورا دخالت می‌کند

مجری میزگرد از مهندس رمضان زاده شهردار سابق آمل در مورد دخالت اعضای شورای شهر آمل در عزل و نصب مدیران و کارکنان شهرداری پرسید که رمضان زاده پاسخ داد: در سال ۸۶ که من به عنوان



شهردار مشغول به کار شدم، مجموع پرسنل شهرداری آمل حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ نفر بود، در آن زمان با یک بررسی ترکیب تخصصی کارمندان را مورد ارزیابی قرار دادیم و متوجه شدم حدود ده نفر لیسانس و فوق لیسانس و حدود ۲۰ نفر فوق دیپلم در بین پرسنل وجود دارند و مابقی پرسنل دیپلم یا مدرکی پایین تر از آن را دارند.

وی افزود: در آن هشت ماهی که من مشغول بودم ابتدا استخدام جدید را متوقف کردم و بعد به شورای شهر پیشنهاد دادم اگر قرار است نیرویی جدید استخدام شود باید دارای تخصص‌های لازم در حوزه‌های مورد نیاز ما باشد و حداقل هم لیسانس داشته باشد.

رمضان زاده تصریح کرد: الان من آمار دقیقی از تعداد پرسنل شهرداری آمل ندارم، اما باید حدود هزار و پانصد نفر باشند که امید است دوستان در این مورد مطالعه کنند، چون اکثر نیروها هم از یک فیلتر درست عبور نکرده بودند، نیروهای کیفی هم نبودند.

وی در پاسخ به پرسش مجری مناظره گفت: صراحتاً باید عرض کنم که بله این دخالت‌ها وجود داشت، به عنوان مثال روزی یکی از اعضای شورای شهر فعلی آمل که با یکی از کارکنان شهرداری برخوردی داشت، صریحاً اعلام کرد که آن کارمند از فردا صبح باید اخراج شود. من با ایشان صحبت کردم و برایش توضیح دادم که این عزل در حوزه اختیارات شما نیست و جزو وظایف شهردار است. اگر کارمندی تخلفی داشت باید به کمیسیون تخلفات بروید تا پرونده اش در آنجا مورد رسیدگی قرار گیرد.

اعضای شورا نظر مخالف داشتند

مهندس تورنگ در پاسخ به پرسش مجری میزگرد در مورد سرنوشت ساختمان مهدیه آمل گفت: ساختمان مهدیه فعلی بسیار قدیمی و خیلی هم خطرناک است و در شان یک مرکز مذهبی قدیمی نیست که در چنین ساختمانی فعالیت داشته باشد.

وی با بیان این که ما با شهرداری مذاکره کردیم و قرار شد آقایان این ساختمان را بگیرند و یک زمین معوض به ما بدهند، گفت: شهردار هم موافقت کرد و نظر مساعدش را برای شورای شهر فرستاد، آقایان هم پیغام دادند که زمین حاضر است بیابید بگیری، اما این موضوع به کلی فراموش شد و کاری هم انجام نشد، پیگیری‌های ما هم به جایی نرسید و بعد فهمیدیم که آقایان اعضای شورای شهر نظر مخالف داشتند.

کار دینی را دولتی نمی‌کنیم

بناگر یکی از حضار جلسه در تکمیل صحبت‌های مهندس تورنگ گفت: آقای تورنگ و حاج آقا روحی که از اعضای شورای شهر آمل است، عضو هیات امنای مهدیه هستند. در جلسه کمیته فرعی موضوع واگذاری زمین معوض به مهدیه تصویب شد که در مقابل پل چهارم یا پنجم زمینی به آن اختصاص داده شود که هم ساختمان مهدیه ساخته و هم فضای سبز ایجاد شود.

وی افزود: یکی از دوستان برای پیگیری موضوع به شورای شهر رفت ولی از آقای علی قاسمی رئیس شورای شهر جواب شنید: «ما را عضو هیات امنای مهدیه کنید تا نفوذ داشته باشیم و این کار را انجام بدهیم.»



شهرداری آشنا باشد، من امیدوارم که مردم در انتخابات دوره بعد توجه لازم را به منافع شهر داشته باشند و عناصر متخصص را برگزینند.

تورنگ ادامه داد: الان شورا در اختیار شهرداری است تا شهرداری در اختیار شورا، چرا که طرح‌ها و برنامه‌ها از سوی شهرداری به شورا داده می‌شود.»

شورای شهر چیزی برای ارائه نداشت

آجدانی در تکمیل صحبت‌های تورنگ گفت: «بر اساس مصوبات شورای شهر که در اختیار مافرار دارد، در تمام مصوبات کمیسیون برنامه‌ریزی بیشتر پیشنهادها از سوی شهرداری به شورای شهر داده شده و شورا هم عموماً بانظر موافق آنها را مورد تایید قرار داده است؛ به عبارت دیگر یعنی شورای شهر آمل از خودش چیزی برای ارائه نداشت و در واقع باید آن را شورای شهرداری خواند.»

شش سال، شش شهردار!

مریم پروین در رابطه با عملکرد شورای شهر آمل گفت: «ابتدا باید بگویم که تعامل اعضای فعلی شورا با مسئولان مربوط بسیار خوب است که این مورد خودش جای بحث دارد، اختلافات علنی آنها نسبت به اختلافاتی که در دوره‌های اول و دوم بین اعضای شورای شهر بود کمتر است.

وی ادامه داد: اختلاف در بین اعضای شوراهای اول و دوم به نوعی سبب شد تا هر یک از آنها تلاش کند بیشتر کار کند، اما شورای شهر در دوره سوم بیشتر بر پروژه‌ها تمرکز کرده که در این مورد موفق‌تر از دو دوره پیش عمل کرده است.

این فعال فرهنگی و اجتماعی افزود: مسئله ای که باعث انتقاد من نسبت به شورای فعلی شهر آمل است انتصابات است که در شهرداری انجام شده است، طی شش سالی که از عمر این شورا می‌گذرد شش شهردار یا سرپرست در شهرداری آمل به کار پرداخته اند؛ یعنی به تقریب سالی یک شهردار و هیچ کس توضیحی درباره اینکه چرا این شهردارها آمدند یا رفتند نداد.

معیار استخدام‌ها چه بود؟

پروین تصریح کرد: مسئله دیگر بحث استخدام هادر شهرداری آمل است. شهردار فعلی آمل در مصاحبه ای اعلام کرد که: ما نیروی مازاد در شهرداری نداریم، در حالی که شورای شهر بیش از این اعلام کرده بود که «نیروی مازاد داریم.»

وی افزود: نکته دیگر حضور تعدادی از وابستگان برخی از اعضای شورای شهر آمل، در شهرداری و سازمان‌های تابعه است که موجب پرسش و ابهام شده است و این سؤال را پیش آورده که معیار و ضابطه استخدام و جذب نیرو در شهرداری آمل چیست؟ آیا این نوع رویکرد شورای شهر موجب بدبینی و بی‌اعتمادی افکار عمومی نمی‌شود؟ پروین استدلال کرد: به نظر من شورای شهر آمل باید در این مورد تجدیدنظر می‌کرد تا عدالت در جذب نیرو رعایت و قوانین مربوطه در این زمینه اعمال و از تبعیض خودداری می‌شد.»

بی‌توجهی به خرید کتاب نویسندگان آملی

پروین در بخش دیگری از صحبت‌های خود از برخی بی‌عدالتی‌ها و تبعیض شورای شهر آمل در خرید کتاب از اهل قلم و نویسندگان انتقاد کرد و گفت: «چرا دکتر عماد حسینی نایب رئیس شورای شهر آمل کتاب خود را که به نظر می‌رسد در حوزه مدیریت کتاب بی‌نام و نشانی باشد می‌فروشد و میلیون‌ها تومان دریافت می‌کند، در حالی که نسبت به خرید



کتاب از برخی دیگر از نویسندگان و مؤلفان بی‌توجهی می‌شود؟» وی همچنین از ضعف و ناتوانی شورای شهر آمل در جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی داوطلب مشارکت در توسعه شهری انتقاد کرد و گفت: «مسائلی از این دست و استفاده نکردن از کارشناسان و متخصصان امور شهری به نفع شهر، توسعه شهری و مردم آمل نیست.»



عمومی شهرداری مراجعه می کنیم می گویند به سایت اطلاع رسانی سازمان ها مراجعه کنید.»

آجدانی با ارائه پرینت سایت های سازمان های تابعه شهرداری گفت: «بر اساس این اوراق که از سایت های این سازمان ها گرفته شد می توان مشاهده کرد که آخرین اخبار آنها متعلق به دو، سه و چهار سال پیش است و ظرف چند سال گذشته هیچ خبر جدیدی از فعالیت آنها در سایتهای شان منعکس نشده است.»



در حاشیه

پاسخ های رمضان زاده و جوادیان بیشتر به جواب های یک دیپلمات محافظه کار شباهت داشت تا نظریات یک منتقد. یک شوخی جوادیان که گفت: به دوستان گفتیم «به سپور محله رای بدهید اما به اعضای این شورای شهر نه» تیر اول بسیاری از سایت ها شد. مریم پروین منصف ترین منتقد این میزگرد بود که نقاط قوت و ضعف شورای شهر را با نگاهی مقایسه ای به دو دوره پیش مورد بررسی قرار داد. رئیس روابط عمومی شورای شهر آمل در انتخاب بین مقام خود و تعهد رسانه ای، سعی کرد گزینۀ اول را برگزیند و هیچ خبری از میزگرد در سایت تحت مدیریت خود منتشر نکند. یک سوم حاضران در مهدیه را کاندیداهای دور بعد یا لیدرهای آنها تشکیل می دادند.

رئیس شورای شهر آمل دو روز بعد از میزگرد صریحاً اعلام کرد که هیچ اطلاعی از میزگرد ۱۵ فروردین نداشت، پس رئیس روابط عمومی شورا و یاران گرمابه و گلستان ایشان در جلسه چکار می کردند؟

از مطالب مطرح شده مشخص شد قانون فقط برای شهروندان عادی قابل اجراست نه برای اعضای شورای شهر و بستگان شان.

در میزگرد مشخص شد شهردار آمل آدم مقتدری است. هم در اجرای مصوبات خلاف قانون شورای شهر و هم در اجرا نکردن مصوبه صریح و قانونی این شورا!

معلوم نشد آن عزیز سخاوتمند حاضر در جلسه که مانند نگارنده از اقشار زیر خط فقر است برای کدام نازنینی تلفن همراه خود را روشن گذاشته بود تا از ابتدا تا انتهای میزگرد مشروح مذاکرات را از راه دور بشنود؟

هیچ کس به این پرسش استاد آجدانی مبنی بر اینکه طرف اصلی قرارداد تبلیغات شهری خیابان هراز آمل با شورا چه کسانی هستند و چه نام دارند؟ پاسخ نداد.

صدای زنگ تلفن های همراه بعضی از حاضران در جلسه و پیچ این سوی خطی ها نشان می داد این میزگرد علاقه مندان دل نگرانی در بیرون دارد که حتماً به علت کمبود جا نتوانستند در محل حاضر شوند.

تیر گزارش عنوان فیلمی است از استیو نارینگتن، محصول ۲۰۰۳ چک، آمریکا، آلمان و انگلستان با بازی شان کانری.

قدرت اله حسن زاده مدرس روزنامه نگاری و پژوهشگر مسائل تاریخی اجتماعی گفت: این جلسه به نقد عملکرد شورای شهر آمل اختصاص دارد، در نقد یک حرکت یافرد باید جمع نقاط قوت و ضعف را دید و منصفانه در مورد آن قضاوت کرد، بی تردید شورای شهر آمل نیز مانند همه جریانات نقاط قوت و وضعی دارد که باید مورد توجه، بررسی و نقد قرار گیرد، اما پرسش من از مطبوعات و اهالی رسانه که در این شهر فعالند و در این جلسه حضور دارند این است که طی شش سال گذشته چرا به نقد عملکرد شورای شهر نپرداختند و امروز در پایان راه این شورا به نقد آن پرداخته اند؟ حسن زاده در پاسخ به نظر دو نفر از اهالی رسانه که اعلام کردند نقد و نظریاتی را نوشته اند، گفت: «منظور من نقد جامع و اصولی است، نه چند نوشته خام دستاورد با انگیزه های شخصی یا مبهم. وی افزود: مراجعه ای به بخش مالی شهرداری آمل می تواند مشخص کند که طی شش سال گذشته، چه مبلغی بابت رپرتاژ آگهی و تبلیغات مختلف از جانب شهرداری و شورای شهر به چه کسانی پرداخت شده است.»

چه کسی مسئول این اعمال زشت است؟

خسرو پهلوان زاده خبرنگار قدیمی صدا و سیما از بی عدالتی در نحوه نام گذاری خیابان ها و میدان شهر انتقاد کرد و گفت: «بسیاری از شهدای عزیز ما مظلوم واقع شده اند و هیچ نام و نشانی از بسیاری از آنها دیده نمی شود، اما در کمال تعجب می بینیم که چند کوچه و خیابان و بلوار میدان به نام یک شهید مشخص نام گذاری شده است. چرا؟» آجدانی در تکمیل گفته پهلوان زاده عکسی از بلواری که تابلویی با نام امام سجاد (ع) بر آن نقش شده بود را به حضار نشان داد و گفت: «این عکسی از بلواری است که قرار بود به نام امام سجاد (ع) نام گذاری شود.» سپس عکس دیگری از همان بلوار را نشان داد که تابلوی نصب شده، کنده شده و بر زمین افتاده بود. او در توضیح این عکس گفت: «بر این تابلو که مزین به نام امام سجاد (ع) است، تصاویری از امام خمینی و مقام معظم رهبری نیز دیده می شود. چندی پیش شهردار آمل در پاسخ به پرسش خبرنگاری که پرسیده بود: قرار است نام بلوار امام سجاد (ع) عوض شود پاسخ منفی داد، اما هفته بعد در یک مصاحبه مطبوعاتی موضوع نام گذاری آن بلوار را به نام شهید قاسمی مورد تایید قرار داد.»



آجدانی گفت: «آن تکذیب و این تایید و کنده شدن تابلوی فوق چه پیامی دارد؟ در حال حاضر هم شنیده می شود که قصد دارند فقط اسم کوچکی مرتب به بلوار را به نام سجاد یک، دو، سه الی آخر نام گذاری کنند. پرسش من این است چه کسی مسئول این اعمال زشت است؟»

آخرین اخبار سایت شان متعلق به چند سال پیش است

ذاکری خبرنگار گفت: «ما هر وقت برای کسب اطلاعات به روابط

بناگر ادامه داد: حاج آقا رحمانی امام جمعه محترم آمل و حاج حسین آقا جواد مدیر مسئول هفته نامه ندای شمال که خودشان هم عضو هیات امنای مهدیه هستند شاهد بودند، گفتیم حاج آقا اگر قرار شود کار دینی، دولتی شود فاتحه دین خوانده می شود. ما کار دینی را دولتی نمی کنیم حتی اگر قرار شود در همین ساختمان مخروبه بمانیم.»

به سپور محله رای بدهید، به اعضای شورای شهر فعلی رای ندهید



مجری برنامه از مریم پروین پرسید: «امسال شورای شهر به هر یک از اعضای خود دو میلیون تومان عیدی داد، آیا در زمان حضور شما هم این طور بود؟ که پروین پاسخ منفی داد. بهزاد جوادیان در رابطه با وضعیت بهداشت و درمان و نبود همراهی شورای شهر آمل با گسترش مراکز بهداشتی آموزشی در شهر گفت: «مسئله ای که باعث می شود شهر آمل در حوزه مسائل بهداشتی درمانی از شهرستان بابل عقب - تر باشد این است که آنها دانشگاه دارند در حالی که ما دانشکده هم نداریم.»

وی با بیان این که از سال ۱۳۹۰ که برای ایجاد دانشکده پیراپزشکی به من مجوز دادند و تاکنون من درگیر گرفتن یک زمین مناسب هستم که هنوز هم موفق نشده ام، افزود: «دانشکده پرستاری آمل با ۵۰ دانشجوی کار خود را شروع کرد و الان ۲۵۰ دانشجو دارد، در حالی که زمین آن غصبی است، چون زمینش متعلق به محمود زاده است، آقایان برای اینکه نماز و روزه شان درست باشد آمدند نمازخانه دانشکده را در زمینی که مرحوم هادی زاده اهدا کرده بود ساختند.»

جوادیان تصریح کرد: «من بیش از پنجاه بار برای مسئله دانشکده پیراپزشکی به شورای شهر مراجعه و با آنها مذاکره کردم و توضیح دادم در این شرایط که به هیچ کس مجوز دانشکده نمی دهند، با همت آقای یوسفیان نماینده آمل ما مجوز دو دانشکده با ۵۰ دانشجو گرفتیم که ۲۵ ردیف هیات علمی داشته باشد و تا چند ماه دیگر به امید خدا ۸۰ دکترا خواهیم داشت.»

وی گفت: «دوبار بود چه یک میلیارد و دو بیست میلیون تومانی برای ساخت دانشکده آمد، اما به علت اینکه زمین متعلق به ما نبود، یک میلیارد و دو بیست میلیون تومان به بابل رفت و یک میلیارد و دو بیست میلیون تومان به ساری؛ در حالی که وجود یک مرکز آموزشی بهداشتی دانشگاهی می تواند اعتبار یک شهر را بسیار بالا ببرد.»

جوادیان تاکید کرد: «آن قدر رفت و آمد من به شورا و نتیجه نگرفتن طول کشید که نزدیک بود با آقایان دست به یقه شوم، به طوری عصبانی شده بودم که به آقای علی قاسمی رئیس شورای شهر گفتیم شما امضا می زنید یا خودم سه ماه دیگر ببایم و امضا بزنم، من به شوخی به دوستان گفتیم به سپور محله تان رای بدهید به اعضای شورای شهر فعلی رای ندهید.»

چرا در شش سال گذشته به نقد شورا نپرداختید؟

بخش پرسش و پاسخ میزگرد، جز چند پرسش قابل تامل و توضیحات مناسبی که لطف اله آجدانی ارائه کرد، مطلب در خور توجهی نداشت.

یادداشت

پایتخت سه در تاجیکستان
ساخته می شود

خبری کوتاه که یکی تأییدش کرد و یکی تکذیب؛ اما همین خبر فرصتی شد برای فرزندماندران ساکن در تاجیکستان تا بی خیال انتقادهای هم ولایتی هایش بنویسد



رضا کریمی، خبرنگار واحد مرکزی خبر در تاجیکستان

از یک خانواده معمولی که همه آدم هایش معمولی هستند، معمولی معمولی!

از نقی معمولی که یک کارگر معمولی است و ریش ندارد اما وضو می گیرد هنگام کار در گنبد و گلدسته سازی برادران فروردین (به جز ناصر) و قبل از اذان صبح بیدار است برای نماز،

از بابا پنجعلی معمولی که حواس ندارد ناهار خورده یا نه اما موقع نوشیدن آب "سلام بر حسین" را فراموش نمی کند و موقع سقوط ون شهادتین می خواند،

از ارسطو که جرات دیدن آمپول را ندارد اما مرام دارد و انسانیت حتی به قیمت دادن یک عدد کلیه O- به کسی که نمی شناسدش، از هما که امروزی است و دانشگاهی اما دل ندارد پدر شوهر سالخورده اش در خانه سالمندان بماند،

از یک خانواده معمولی که پول ساخت خانه نیمه ساز خود را ندارند اما حلال خور هستند، آن قدر حلال خور که خروس سلطان تنها لقمه صاحبش می شود و گریه لب ایوان، حتی به بهای افتادن لوستر روی میز شام و خرابی خانه، آن قدر حلال خور که پرتقال برزیلی صاحب خانه که به امانت سپرده شده زیر چرخ های ماشین له می شود.

اتفاقات این سریال نیز همه معمولی هستند آن قدر معمولی که آدم ها دسته جمعی به رئیس جمهوری نامه می نویسند، حال می خواهد نامه های شان برود ته دره، گنبد و گلدسته اش آب توبه می ریزد بر سر دزد... نه این که نقدی نباشد بر پایتخت ۲ اما این سریال که همه آدم هایش معمولی بودند یک حرف غیر معمولی داشت، اینکه می توان زیباترین مفاهیم دینی و اخلاقی را نشان داد نه با چادر گلدار پیرزنی تسبیح به دست و نشسته در هاله ای از نور سبز بلکه با طنزی که غیر معمولی است.

به هر حال سیروس مقدم و همه آدم های سریال قابل تقدیرند، حال می خواهند این خانواده معمولی سال آینده میهمان خانواده های معمولی تر تاجیکستان باشند یا میهمان مردم شمال و جنوب کشورمان که



مردم بر خلاف نماینده شان، پایتخت را دوست دارند!

آقای دامادی قبل از اظهارنظر در مجلس، بهتر بود از نظرات مردمی که نماینده شان است، کسب اطلاع می کرد و این گونه بی گذار به آب نمی زد.

کارگردان پایتخت به نگارنده می گفت: زمانی که می خواستیم به شیرگاه بیاییم، برخی عوامل سریال نمی دانستند شیرگاه کجاست و تصور می کردند کنار شیراز قرار دارد!

مقدم می گفت: من اگر بتوانم با این سریال حتی یک توریست را به سوادکوه و مازندران شما بکشانم، مزدم را گرفته ام.

آقای دامادی که روشنفکرمانبانه موضع فرهنگ دوستی گرفته است شاید نداند تنانی از محققان و پژوهشگران و شاعران مازندرانی به عنوان مشاور لهجه در کنار سازندگان پایتخت بودند که نام آن ها در تیتراژ پایانی سریال نیز آمده است.

و شاید او نداند در ماه های اخیر صدا و سیما شدیداً با بحران مالی مواجه بوده و نیروهای آن گاه چند ماه در میان حق الزحمه می گیرند و امسال نیز با این همه گرانی و تورم قرار است حق الزحمه های عوامل تولید، افزایش نیابد! دانسته است که با این وضعیت، برای ساخت مجموعه های فاخر رادیویی و تلویزیونی، انگیزه ای وجود نخواهد داشت.

از سوی دیگر باید گفت: پایتخت اثری مستند درباره لهجه و گویش مازندرانی نیست، بلکه سریالی کمیک و طنز است که به خوبی توانسته از گویش مازندرانی بهره ببرد و باعث تقویت زبان و فرهنگ ما شود و از این منظر باید از سازندگان آن تشکر کرد و لوح قدردانی به ایشان داد.

بررسی نقاط قوت و امتیازهای این سریال را شاید به وقتی دیگر سپردم و فعلاً به همین مقدار بسنده می کنم، اما یک نکته به این نماینده جوان عرض می کنم که تمسخر فرهنگی نه در دیالوگ های چندبازیگر، بلکه در نداشتن یک سالن و آمفی تئاتر آبرومند در استان است. در تعطیلی کتاب فروشی ها و شهر کتاب های مازندران است، در توزیع ناعادلانه بن و تسهیلات فرهنگی است، در مخالفت و ایجاد تجمع برای لغو مجوز یک کنسرت موسیقی است، در سرانه پایین مطالعه است و... خوب بود اگر تذکری بود نسبت به این ها ارائه می شد نه سریالی که مردم آن را بهترین سریال سال های اخیر دانسته اند. راستی چرا بین نظرات مردم کوچه و بازار و نماینده ها و مثلاً روشنفکرهای ما این همه تفاوت وجود دارد؟

گسترش فضای کمیک و خنده آورش به توهین و تحقیر و تمسخر مردم روی آورده است.

نویسنده این مطلب به این نکته هم اشاره می کند که تلویزیون با تولید سریال پایتخت نشان داد که هدف رسانه ملی بازتاب کلیت ایران است.

خبرنامه دانشجویان ایران هم در مطلبی نوشته: «پایتخت سریالی است با همه روزمرگی های آدم های معمولی که به مسافرت می روند، به رئیس جمهور نامه می نویسند، مشکلات اقتصادی دارند، از پدر سالخورده خود نگهداری می کنند و حتی در مسابقه های تلویزیون شرکت می کنند و در اتفاقی نادر برنده هم می شوند.»

برنامه سین مثل سریال ویژه نوروز ۹۲ هم پنجشنبه شب گذشته در پایان کارش سریال های نوروزی پخش شده از سال ۸۳ تا ۹۱ را در معرض قضاوت مردم قرار داد و مردم با ارسال پیامک محبوب ترین سریال و بازیگر را برگزیدند که در مرحله نهایی در بخش سریال، همین پایتخت اول شد و در بخش بازیگران مرد نیز محسن تنابنده - بازیگر و نویسنده پایتخت - با ۵۶ درصد از بقیه گوی سبقت را ربود.

پایتخت اثری مستند درباره لهجه و گویش مازندرانی نیست، بلکه سریالی کمیک و طنز است که به خوبی توانسته از گویش مازندرانی بهره ببرد و باعث تقویت زبان و فرهنگ ما شود و از این منظر باید از سازندگان آن تشکر کرد و لوح قدردانی به ایشان داد



در حالی که حسین نیاز آذری - دبیر مجمع نمایندگان مازندران - روز ۱۲ فروردین در جلسه ستاد تسهیلات سفر استان گفته بود: «همه نمایندگان در روز ۱۸ فروردین اگر بتوانیم نفری سه دقیقه وقت بگیریم و در رابطه با داشته ها و مشکلات استان صحبت کنیم تا از تریبون مجلس هم نیازمندی های خودمان را به دولت به ویژه در زمانی که لایحه بودجه ۹۲ در مجلس در حال بررسی و تصویب است، اعلام کنیم...» این هفته محمد دامادی - نماینده مردم ساری در مجلس شورای اسلامی - در تذکری آئین نامه ای به جای فرصت سازی و این که نگاه مجلس و دولت را به مازندران تغییر دهد، تا مرام ملی بنگرند و نه استانی، ترجیح داد درباره سربال موفق «پایتخت» تذکری بدهد که از قضا پخش آن نیز به پایان رسیده و این تذکر ناجبا هیچ فایده ای برای کسی نداشت!

دامادی نسبت به آن چه تمسخر گویش مازندرانی در سریال «پایتخت» می نامید، واکنش نشان داد، اما به باور ما تمسخر مازنی ها نه در این سریال، بلکه در موضوعاتی چون توخالی بودن مصوبات سفرهای چندگانه، بیکاری و ورشکستگی صنایع استان، بحران زباله، ترافیک شهری و بین شهری، پاسخگو نبودن و فراقکنی مسئولان، متولی نداشتن دریا و... قابل تصور است و نه سریال طنزی که جزو موفق ترین مجموعه های صدا و سیما در سال های اخیر بوده و میلیون ها ایرانی و مازندرانی را شادان کرده است.

نیاز به گفتن نیست که در سریال پایتخت به روابط انسانی و خانوادگی توجه ویژه ای شده بود، روابطی که امروزه برای ما به رویا تبدیل شده است.

شخصیت های پایتخت با هم بگومگو هم می کردند و کارشان گاهی به قهر هم می کشید؛ اما بعد از چند دقیقه آنها تلخی ها را فراموش می کردند و بار دیگر دوستانه در کنار هم زندگی می کردند. این شیرینی روابط که داشتن آن به رویای ما تبدیل شده است، باعث شد تا سریال پایتخت به اثری دیدنی تبدیل شود.

سایت بی بی سی فارسی که معمولاً روی خوشی به عملکرد صدا و سیما نشان نمی دهد در تحلیلی اعتراف کرد: صدا و سیما نوروز امسال در جذب مخاطب در بخش فیلم و سریال موفق تر از سال ۹۱ بود.

این سایت با بررسی تک تک سریال های پخش شده در ایام نوروز، سریال پایتخت ۲ را بهترین سریال امسال معرفی کرد و نوشت که در این سریال از بازیگرانی استفاده شده که تکراری نشده اند و فضای دلچسب و تازه ای برای مخاطبان به همراه آورده است.

تحلیلگر بی بی سی نوشته است: موقعیت کمدی و لهجه زیبای مازندرانی در کنار شیرینی موقعیت ها توانست مردم را پای تلویزیون بنشانند.

رسانه های داخلی نیز از چپ ترین آن ها تا رادیکال ترین و اصولگراترین شان ناگزیر به تمجید از پایتخت شدند. مثلاً «سایت رجانیوز در مطلبی از سریال پایتخت به عنوان اثر برتر نوروز یاد کرد.

در این مطلب که با تیتراژ «چرا مردم پایتخت را دوست دارند؟» آمده: «این سریال علاوه بر این که توفیق بسیار بالایی در خندانند مردم داشت اما برای این خندانند نه به کمدی های باب روز متوسل می شود و نه برای بسط و